و ناصرخسرو را برای حمایت از کودکان کار تأسیس کردیم تا از این طریق بتوانیم برخی از اصلی ترین مشکلات این حوزه

.را مرتفع سازیم. پس از سالها تلاش در این راستا، حالا بسیاری از کودکان که دارای مشـکل هسـتند، خود بـا ما تماس

داری هستگا هستند، مودی به نماس می گیرند و ما تیلاش می کنیم تا به بهترین نود به وضع آنها را سیدگی کنیم و بهترین راه را برای رهایی آنها از مشتکلی که با آن مواجهند، برگزینیم.» فعالیتهای انجمن حمایت از حقوق کودکان، در بسیاری از

موارد توانسته تاثیرات بسـزایی را بر جای گذارد. همانطـور که پژوهش نیـز بر آن

از کودکآزاری) نوشته شود و به مجلس راه یابد و کودکآزاری که تا پیش از سال

۱۳۷۳، جرم عمومی نبود، به جرم عمومی بدل گردد. جرمی که همگان پس از اطلاع از آن موظفنید آن را بیه مراجیع پلیسی

و قضایسی اطــلاع دهند و در صـورت عدم

اطلاع رسانی، مورد پیگیری واقع می شوند و

یکی از اصلی ترین ضعف های موجود در این راستا را مربوط به عدم آموزش درست دانسته و می گوید: «یکی دیگر از اهدافی

که بسیار برای مان دارای

تــا محقق شــود، آموز ش

حقوق کـودک بــه خود کــودکان و بزرگســالان

است. در بسیاری از مواقع با مواردی روبهرو میشویم

که افراد با ناآگاهی در این

حتی بسـیاری از کودکان نمیداننــد کــه برخی از

یت و نباید انجام شود و

لت. کودکی کلله مورد

ين به دليل ضعف آموزش

آزارهای گوناگون قُرار گرفته، نمی تواند به راحتی

رفتارهــا با آنها نادرس

زمينسه روبهرو

اهمیت است و مایلیم

در واقع ابن لايجه را بايد از حمله لوایح در این راستا برشـمرد. پژوهش اما

م. شگیری

تأکید می کند، فعالیتهای حقوقی م این انجمن عاملی شد تا (لایحه پیش

انجمن حمايت از حقوق كودكان را بشناسيد؛ اميدبه روزي كه كودكان براي اعاده حق خود پيشقدم شوند

جامعهمدنى





ما هر حه داریم بعـــد از خدا از خانواده خـــود داریم. ىنظورم دقيقاً اين است كه هر چه داريم چه خوب و چه بد را در خانواده کسب کر دهایم. آنچه در ادامه می آید . خصصان وأشنايان به علم روان شناسي داس ،رس تکراری است اما همانقدر که برای یک درمانگر، تکراری و گاهی کسل کننده است، برای عموم مردم عجیب، باورنکردنی و البته تلخ می تواند باشد. خانم «ر» مبتلا به هراس اجتماعی بود. به زبان ساده یعنی از حضور در جمع به شدت و به طور غیر منطقی می ترسید. به مــدت ۱۰ ســال در مان های مختلــف دارویی و

. غیردارویی و حتی بستری شدن را تجربه کرده اما نتیجه نگرفته بود. این بار خانواده -درمانگر درمان او را شـروع کردو درمان به خوبی در حال پیشرفت بود که بعداز یک جلسه درمانی که پدر او هم حضور داشت اما مادر راضی به حضور نشــده بود، مادر با در مانگر تماس گرفت و گفت «دیگر اجازه نمی دهم دختر مبرای درمان بیاید؛ من نمی گذارم که حال دختر م خوب بشود و در عوض حال من و پدرش بد شود! ما مریض شویم که او خوب شود؟ امکان ندارد!» توضیح آنچه در بالا خواندید در چندبندقدر ی سخت است.

بايد گفت كه خانواده درمانگران منشماء اختلالات روانی را در خانواده جست وجومی کنند و نه در فرد و

ین کار کر د خانواده است که مختل شده و بنابر این درمان هر عضو خانواده بهتنهايي موتسر نخواها همانند فرد مسلولي که براي درمان مراجعه مي کند و لازم است تمام افرادى كه ارتباط نزديك بااو داشتهاند، ازجمله خانواده او درمان شوند چون قطعاً آنها نيز مبتلا به سل هستند و در غیر این صورت به فرض درمان شدن صرفاً فرد مسلول، وی در باز گشت به خانه دوباره بەسل مېتلاخواھدشد.

از نظر خانواده درمانگران همين وض اختُلالاتُ رواني نيز صَادق است. اگر فرضاً هم فردي به تنهایی درماُن شود پس از قرار گرفتن در محیط مُختل خانوادهاش مجدداً مبتلا به اختلال روانی خواهد شد. ينابراين فرددر يک محيط مولد مرض مختل می شود. بمبری در دریا می می موجه در می مصابی مرجه پس خانواده خاستگاه خوب و بد اعضای خود است و می تواند خیر یاشآر را به او هدیه کند. امروز در کشور های ی را به مربع این می از این می این می از مانوادهاست. برای مثال ارایه خدمات بهداشتی، سلامت و درمان

به صورت خانواده محور ارایه می شــود. شــهر و جامعه ســالم از خانواده هـای ســالم و خانواده ســالم از افراد سلامت تشکیل می شــود. افراد ســالم هم در خلأ به

که وسیله زندگی شان را با زور توقیف کند و هزاری



واقعی شروع خواهد شد. بنابراین، با درمان شدن یک عُضو خانواده یا کل خانواده دچار مشــکل می شود! یا در جهت رشد و ســلامت قرار می گیرد!از نظر خانواده ار تباط با سلامت خانواده اصلى و خانواده اى است كه با آن زندگى مى كنند اما نوشتن درباره خانواده ايرانى به درمانگران چارمای جز این نیست! در اینجاقانون همه باهیچ حکمفرماست. یاسلامت یا کسالت!آنچه در بالا دلیل ظرافتها و پیچیدگی های خاص آن، کار دشوار ی است وقتى مشكلى در خانواده ايرانى رخ مى دهد، همه لفته شدرامي توان در مورد خانم «ر»به خوبي مشاهده کرد.والدین خانم «ر» در دهه ششم زندگی خود بودند که دختر جوانشان از طریق دوستی به خانواده درمانگر مثلاً، پدر، مادر، یا خود فرزند مقصر است اما فرزند ممد، پدرمتر یا مود ریا مود در زند معدر است اما فرز دند محصول خانواده است و خانواده یک سیستم است. یعنی از اعضایی تشکیل شده که بر هم تأثیر گذاشته و از هم اثر می گیرند.به زبان خانواده درمانگران، مختل محصول محیط مُخل است. یک اصل اساسی برای

بازگویی یک ماجرای تکان دهنده

خانواده؛ یک تیغ دولبه

م, احعه کر د. . دختردیگر ایشان که دوسه سالی بزرگتر از خانم «ر» بود، سـال ها پيش از دواج كر ده بودا و شــوهر ش اجازه ، ملاقات با خانواده را به او نمی داد. از طرفی پدر خانم «ر» قبلاً گفته بود که در جوانی آرزو داشته، پسر دار شود و بعد ها که این آرزویش براورده نشده بسود، این طور با بعدها که این آرزویش برآورده نشده بسود، این طور با خود کنار آمده بود که داماد هم مثل پسـر آدم اسـت و با خود آرزو کرده بود، دامـادش را به زادگاهش و نزد فامیل ببرد و به قول معروف پُز او را بدهد که اگر پسـر تدارم، چنین وچنان دامادی دارم که از پسـر هم بهتر است اما آرزویش درباره داماد هم دست کم در مورد داماداول بر آورده نشده بودواز این رو آگاهانه یا ناآگاهانه مانع ازدواج دختر دوم و تنها تیر تر کشـــش مے شد! او می ترسید داماد دوم هم مثل داماد اول باشد. مادر هم در این آرزو با پدر شریک شده بود.

می آمدند؟ آنها باید تجارب تلخ روزهای پسردار نشدر در جوانی را مرور کرده و به دنبال مقصر می گشستند طلاة يكشد.

از دواج نُخواهــم كرُد كه والدينمُ تنها بماننــد او با اين ايده مي خواسـت والدينـش را خوشـحال ببيندو نه احتمالاً مثل دوران کودکی اش همواره در حال دعوا او احتماد میں دوران خون کی سی سہور ۔۔ر ۔ ۔ن ۔ ر ۔ نمی خواست آن روزھا تکرار شود. به علاوہ آن بخشی از وجودش که خواستار ازدواج نک ردن و ھماھنگ باخواسته والدینش بود احساس خوبی در او ایجاد می کردچرا که باجبران گناه خواهر بزرگتر شومر تکب اشتباه او نشدن حس ارزشــمند بودن برای خانواده را تجربه می کردامابه هر حال او فرشته نبوداو نیاز داشت که اُزدواج کند بنابراین بخشــیاز وجــودش هم به او فشار می آورد که ازدواج کند. در نتیجه تعارضی که بین فشار می اورد نه ازدواج نند.در نتیجه تعارضی نه بین این دو بخش از وجود خانـــم «ر» در گرفته بود، او واقعاً این دوجنتی از وجود خاصه ۳٫۵ در لرفته بوده او اطعا نمی دانست که آیاباید بدنبال همسر آیندمانی باشد یا خبر، در نتیجه می ترسید نکند اشتبا کند و مطالب - سی از نواج کندامابارین، برای جلوگیسری از وقوع چنین اشتباه هولناکی از حضور در جمع هراس داشت. اورارت تمام بدبختی های خانوادمانی بود.

همهمون گرفتاریم

-اول جوونی. ۲۱ ســال. مثل گل می مونه، حيف که مریضی دمارش رو در آورده یه پسر هم دارم. تازه رفته سر کار اون هم دســـتش تنگه. چیزی ندارم. همین دو تابچه رودارم. -من سـر خیابـون بعدی پیـاده م

-دست شمادردنکنه خانوم لطف کردین. - زن که پیاده می شــود، راننده رو می کند به پسر

ت که خدمت

خيلــى ممنــون. مىدونــم پســرم. ھمەم





س. خانم «ر» گفته بود که هر گز با کسی مثل دامادمان

تاكسي نوشت

مىراند. ترمزها را با احتياط مى گيرد و خيلى زود از

ت – رفتیم سراغ برادر خانومم. سـاعت سازی دارم. قدیمیه. کاسـبها میشناســنش. نداشت. گفت دستش تنگه.همه دست ردزدن خانوم. -خب، بیمارستان دولتی که نباید هزینه اش زیاد

یسم - خرج زیاده خانــوم، دوا و داروهــاش خدا تومن میشـــد. داروهایی که قبلابراش خریدیم با قرض و وام، حالا باید هزینماش رو تأمین کنیم، من هم که کارم رومیینیند. بااین قیمت بنزین...

ین خانوم نمیرسه، همین یک بچه که نیا

ىنشستمتوخونە. Sa All LAN

فحش ركيك ونفرين حوالهاش مى شود و در عوض وهایش یک د فرمــان.در ترافيک بلوار کشــاورز آرام و با طمأنيد همه اتومبيل هاعقب مي ماند.بازن مسافري كه كنار دستش نشسته،صحبت می کند.

باشە.

- بله خب، با این سن تون توی این خیابونا... بیمه ستير؟

هم باید صبح تا شـــب با این ماشین توی خیابونها باشــم. مجبورم دیگه. مجبور نبودم که آخر عمری

يولدار های بی درد در ماشين مدل بالإيشان شيک می نشينند و آخر سر. ام يا علوى با خریدى مى گېرند و به ریش أن بنيخت هايي که سر موقع 2 سال از ز نتگی شان را به اسم خدمت مغدس به فنا داده اند می عندند که بی شعور اها مگر از رم باستان نگفته اند که طبقه مستصحف باید نیروی کار و توانش در Show less - Translate 4 comments on original post +10 🏓 1



ـمشرا هر چه میخواهید بگذارید، من اسم فروش سربازی غایب ها را چیزی نمی دانم جز تحقیر افسراد مقید به قانسون، جز تحقیر طبقه مستضعفی که حتی اگر لیسانس اش را هم بگیرد، برای کار در یک اداره ... باید برود. ۲سال سر چهار را از ساعت۶ صبح تا ۷ شب یک لنگه پا بایستد والبته بابدبختهای موتورسوار که همان ها هم از طبقه اندكى جرحو تعديل ،دعُواكند تُبيچارُ هُ كشور ه

شما اسمش را هر، چه می خواهید بگذارید من اسم قروش سرباز ی غایب ها

ر ا جبز ی نمی دانم جز اتحلیز افر اد منید به قانون جز اتحلیز طبقه مستصعفی

که حتی اگر لیستس اتن را هم بگیرد برای کار در ایک اداره کوفتی باید برود

2 سال سر جهار راد از ساعت 6 صبح تا 7 شب یک لنگه یا و ایند و البته با

دبنت های موتور سوار که همان ها آم از طبقه مستضعف و بد بنت بیچاره

کتور اهمنتند دموا کند که وسیله زندگی شان را با زوار توقیف کند و اهزارای

فمش رکیک و ندرین حواله اش می شود و در عوض آفا زاده ها و بچه

تحقير افرادمقيدبه قانون

- مصان ریسر و مرین خودس می مودور موس اقازادهاه بچه پولدارهای بی در در ماشین مدل بالای شان شیک می شینند و اخر سر هم یا عفون یا خریدی می گیرند و به ریش آن بدبختهایی که سر موقع ۲سال از زندگی شان را خدمت کردهاند. از صفحه گوگل پلاس Mohammad r با

بەدنبال يكخفر مقصر هستند.

میاتی است. حیاتی است.

ىتم، نظام، موجود و موجوديتى، حفظ تعادل

- کی هر موجودی در وهلــه اول در پی حفظ موجودیت خودش است. خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست.

خانواده چەبەصورت سالمو چەمرضى در پى نظمدھى بەخوداست و حفظ موجوديت گاھى نياز بە جنگ و قربانى دارد.قربانى ؟!بلە.براى اين كەنظام خانوادە حفظ

شود، لازم است هزینه آن پُرداخت شود. اگر این هزینه از راه درست پرداخت نشود، یک راه نادرست، قربانی کردن

عضوی از خانواده اســـت؛ عضوی که از همه ضعــف.تر

سوی را سو مدینه سوری در اینه میرد. است. عضوی که با واقعیت زندگی آشنا نیست. است.هدف تخلیه مشکلات خانوادگی قرار بگیرد.



Mohammad r originally shared:

جهان دوم بلوار كشاورز –ميدان وليعصر

ت، بهتر





قانون

طرح نو | سال ۱۳۷۳ به ثبت ر س طرح نوا سال ۱۲۷۲ به ثبت رسمی رسیدند. زمانی که حمایتهای قانونی از حقوق کودکان پس از پذیرفتن کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفت. در آن سال ها برای حمایتهای قانونی از حقوق

کـودکان تلاش چندانی صـورت نپذیرفته بـود و «انجمن حمایت از حقــوق کودکان (irsprc)» از جمله نخستین انجمنهایی

بود که بـرای حمایتهای قانونی وارد عمل شـد. این انجمن در ابتدا با هدف «تبلیغ و

ترویج اصول منــدرج در پیمان نامه جهانی حقوق کودک» وارد عمل شــد و کوشید تا

موی توی که ورد میش مساو توسید کا در بهبود وضع عمومی زندگی کودکان ایران فعالانه شرکت کند و راههای رسیدن بـه حداقـل زندگی مناسـب بــرای همه

کودکان و در جهت رشــد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آنهــا گام بردارد. طاهره

می و این می می می می ایر در مرابع می برد پژوهش عضو هیاتمدیره این انجمن، در خصوص سال های ابتدایی آغاز به کار این انجمن به «شهروند» می گوید: «ما در ابتدا شماره تماسی برای پیگیری کودکآزاری

داده بوديــم اما اين شــماره تمــاس، كافي

نبودچرا که بسی این مسار مسامی می نبودچرا که بسی از این تماس ها امکان پیگیری از ما سلب میشد و نمی توانستیم حمایت های لازم و کافی را داشته باشیم،

چرا که ما دارای توانایی پیگیری قانونی مسائل کودکان نبودیم و از اینرو پس

نگاهمنتقد

در میگوید: «ما سعی کردیم تا بیش از هر چیز مطالبه گر حقوق کودکان باشیم. کودکانی کم آسیب دیدهاند یا نیازمنید کمک و

حقوق افراد دیگر را نیز پایمال نس این رو در کتابهای مدارس و آموزشهای رسهمی ما باید این موارد گنجانده شود و قوانین نیز به شکلی اصلاح شه و تغییر ر این ایر . یابد که کــودکان بدون هیچگونــه نگرانی بتواننداز حقوق خود دفــاع کنند و این امر . تنها در زمانی محقق می شود کو معف موجود در قوانین کشور در این راستا مرتفع شود؛ امری که ما سال ها روی آن مشغول به کار هستیم و امیدواریم روزی قوانین ما برای حمایت از کودکان به نحوی تغییر یابد که کـودکان به راحتی بتواننـد برای اعاده حقوق خود پیشقدم شـده و آن را به دست آورند.»



www.irsprc.org

جمن حمايت از حقوق كودكان

حمایــت از کــودکان درخصـوص ايــن تمايز

نند. از این رو نیّسز وکالت این

کودکان را بهصورت مجانی بر عهده گرفته

و پَيگير مُطالباتُ و مشكلاتشان مىشويم. در اين زمينه نيز از ابتدا مشـكلات فراوانى

بیشروی ما قرار داشـت، چرا که بسیاری

پیساروی به طرار مست به پرد به بسیاری با فعالیتهای ما آشسنایی نداشتند اما پس از مدتی مــا فعالیتهای خود را گســترش

ار سای سے بیانی کی کرد را سیریں دادیے. آمار کودکآزاری را از طریق بیمارستانھا و سایر مراکز رسمی پیگیری کردیم و سعی کردیم باخانوادہھاو کودکان

تماس برقرار کنیم. بسیاری از کودکانی که در چنین شرایط دشواری قرار دارند، وضع

سیل مشخصی نیز ندارند و سعی کردیم این مورد را نیز در دسـت بررسـی داشته باشیم. در سـال ۱۳۷۸ خانه کودک شوش

ں ۷۰۰ تومن. اگر

۱ تومن خدمت تون باشه بیشتر از این الان ندارم.

پولزیادندارم.همین۲ تومن ه

نمین جا پیادہ میشین؟ میشــه ·

- شمارهای دارید که بدین من به دوستام ب

تماس بگيرن. - شماره هم دارم. میدم خدمت تون. خانوم شما

جوانی که تازه سوار شده است و با او حرف می زند. – آقادخترم مریضه سـر طان داره شما هم لطف کنید. یک کمکی کنید. خیلی گرفتارم

گرفتاريم.

چیزی همراهتون هست برای خرج بیمارس دخترمه،بزر گواری می کنید.لطف می کنید.

کسی کمکی چیزی خواست بکنه آخر سالی، باشم